

کیهان

در نوشتار حاضر نویسنده درباره چیستی انتقام و نگاه قرآن به آن در جنبه‌های اجتماعی و حکومتی و عواملی که منجر به انتقام خدا از متجاوزان می شود سخن گفته است.

انتقام از ریشه نَقمت در برابر نعمت، به معنای گرفتن نعمت و تغییر آن به نَقمت است. کسی که انتقام می‌گیرد می‌بایست توانایی و قدرت آن را داشته باشد که نعمتی چون عاقبت، سلامت، سعادت، آرامش، آسایش و مانند آنها را از دشمن سلب کرده و به جای آن بدبختی، بیماری، ناامنی، فقر، مسکنت و مانند آنها را جایگزین کند.

از نظر قرآن، منتقم حقیقی خداست؛ چرا که یکی از نام‌های جلالی خدا، «ذوالانتقام» است.(مائده، آیه ۴۵) همین اسم الهی مقتضی آن است که خدا به‌عنوان «قاصم الجبارین» (کوبنده سرکشان) ظهور کند؛ چرا که خدای رحمان در مقام رحمت رحمانی خویش، درهم کوبنده مستکبران، مستبدان و زورگویان جهان است؛ زیرا همه نعمت‌ها از رحمت و رحمانی و رحیمی خدا نشأت می‌گیرد و اوست که می‌تواند نعمت‌ها را به نَقمت تبدیل کرده و از مستکبران و دشمنان اسلام و مسلمین انتقامی سخت بگیرد. البته از نظر قرآن، هر کسی که مظهر تمامیت اسماء و صفات الهی است، در مقام مظهریت اسمای جلالی الهی قرار می‌گیرد و می‌تواند منظم «المنتقم» باشد؛ زیرا بخشی از ولایت الهی در این افراد به «شاهد علی الکفر» برمی‌گردد. از همین رو حضرت ولی‌عصر(عج) به‌عنوان «المنتقم» ظهور می‌کند تا انتقام همه ظلم‌های تاریخ را از جباران بگیرد و حکومت جهانی عدالت را با یاری صالحان برپا کند.

انتقام، مجازات و کیفر متجاوزان

بر اساس آموزه‌های قرآن، انتقام یک واکنش در برابر کنش‌های ظالمانه متجاوزان است و هرگز به‌عنوان یک کنش ابتدایی مطرح نیست؛ زیرا پیش از آنکه کنش و فعل باطلی انجام شود، هرگز انتقام و گرفتار کردن دیگری به نَقمت مطرح نیست؛ زیرا رحمت رحمانی الهی مقتضی آن است که انتقام به‌عنوان یک «واکنش» مطرح باشد نه «کنش». بر اساس همین اصل رحمت رحمانی است که خدا هرگز کسی را در آغاز گمراه نمی‌کند؛ زیرا آنچه اقتضای طبیعت رحمت رحمانی است، هدایت‌گری، خدا است. از همین رو خدا به‌صراحت هدایت را به‌عنوان یک سنت حاکم و نرم‌افزار فطری و طبیعی برای همه مخلوقات خویش مطرح می‌کند. (طه، ۵۰)

بنابراین، اقتضای سنت الهی همان طوری که

هدایت‌گری است و اضلال تنها به‌عنوان مجازات

پشت‌کنندگان به هدایت فطری است، همچنین

اقتضای سنت الهی دادن نعمت از همه اقسام آن به‌ویژه نعمت هدایت، اسلام، ولایت، آسایش و آرامش به مردمان است، مگر آنکه انسان خود با رفتارها و کنش‌های باطل خویش، غضب الهی را بر انگیزاند

و خدا در اسمای جلالی ظهور یابد و به‌عنوان یک

«واکنش» به کنش‌های باطل این افراد از آنها انتقام

گیرد و نعمت‌هایشان را به نَقمت تغییر دهد.

خدا به‌صراحت در آیات قرآن بیان می‌کند که اصل، «انعام الهی و نعمت بخشی» است؛ مگر آنکه مردم با رفتارهای ناپسند و خلاف سنت‌های الهی خویش، غضب الهی را به جان بخرند و نعمت به نَقمت تغییر یابد و این‌گونه خدا از آنان انتقام می‌گیرد.

به‌عنوان نمونه خدا برای هر «فس» انسانی حافظی قرار داده تا وی را از مرگ حفظ کنند. این حفاظت تا جل سومی ادامه می‌یابد و سپس برداشته می‌شود تا نقل و انتقال به عالم برزخ و آخرت انجام شود.(طارق، آیه ۴)

خدا به‌صراحت می‌فرماید: برای انسان، مأمورانی

است که بی‌دریی، از پیش‌رو و از پشت‌سرش او را از

فرمان خدا (احداث غیرحتمی) حفظ می‌کنند(ثا)

خداوند سرنوشت هیچ قوم (ملتی) را تغییر نمی‌دهد

مگر آنکه آنان آنچه را در خداوند است تغییر دهند؛

و هنگامی که خدا اراده سونی به قومی (به‌خاطر

اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و

جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت(رعد، آیه ۱۱)

همچنین خدا با اشاره به رویه فرعونیان به این

نکته توجه می‌دهد که آنان به سنت الهی گرفتار

آمدند؛ زیرا سنت و قانون الهی بر این قرار گرفته که

هر کسی کفران نعمت کند و به کفر گراید، گرفتار

انتقام سخت خدا می‌شود و خدا نعمت را به نَقمت

تغییر می‌دهد تا این‌گونه آنان را مجازات کند. خدا

می‌فرماید: این کیفر بدان سبب است که خداوند

نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد

و این‌گونه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و

خدا شواهی داناست. (انفال، آیه ۵۳)

از این صریح‌تر می‌توان به این آیه قرآنی اشاره

کرد که خدا از تقدم نعمت و تغییر آن به نَقمت به

سبب کفر و کفران می‌گوید؛ و خدا بر شما حکایت

کرد و مثل آورد مثل لشعری را که در آن امنیت

کامل حکمفرما بود و اهلسر در آسایش و اطمینان

زندگی می‌کردند و از هر جانب فری‌افراوان به آنها

می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت‌های خدا را کفران

کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت، طعم

گرسنگی و بی‌مکانی را به آنها چشاندید و چون لباس،

سرایای وجودشان را پوچشاند. (نحل، آیه ۱۱۲)

پس زمانی خدا از خلق انتقام می‌گیرد و نعمتشان

را به نَقمت تغییر می‌دهد که کفر و کفران کرده

باشند و قدر امنیت و آرامش و آسایش را ندانند. در

این صورت خدا به‌جای آرامش و آسایش، ناامنی و

گرسنگی و محنت را به نصیب آنان می‌کند.

عوامل و چرایی انتقام

از نظر آموزه‌های وحیانی، عواملی چند موجب

می‌شود تا خدا در مقام اسمای جلالی ظهور یابد و

خشم و غضب الهی جایگزین رحمت و نعمت شود؛

هر چند که همین غضب و انتقام الهی، با خاستگاه

رحمت الهی است؛ زیرا اگر انتقام و غضب الهی بروز

و ظهور نکند، جهان تا امر نمی‌شود و جباران و

مستکبران گستاخ‌تر به کفر و کفران رو می‌آورند.

بنابراین، برای امنیت اکثریت جهانیان، می‌بایست

رحمت الهی در قالب غضب و انتقام بروز کند.

به سخن دیگر، رحمت رحمانی الهی موجب

می‌شود تا خدا دوزخ را ایجاد کرده و دشمنان

و کفران و ظالمان و مستکبران را بدان بریزد و

این‌گونه آنان را کثیر دهد. بر اساس همین سنت

و رحمت رحمانی است که خدا اصولی چون

حدود و تعزیرات را وضع کرده است و کاروان را در

دنیا با عذاب استیصال ریشه کن می‌کند؛ زیرا وجود

نخس این ظالمان می‌تواند به اکثریت مردم آسیب

وارد کند و امکان حرکت در مسیر هدایت الهی را از

آنها ببرد.

ظلم از جمله عواملی است که خشم و غضب الهی را به دنبال دارد و موجب انتقامی سخت می‌شود. این ظلم می‌تواند ظلم به خود و خدا و خلق باشد که شامل کفر و کفران و بی‌عدالتی نسبت به دیگران می‌شود. خدا از کسانی که بر خلاف عدالت عمل می‌کنند، در همین دنیا انتقام می‌گیرد.

مگر آنکه انسان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و

خدا شواهی داناست. (انفال، آیه ۵۳)

از این صریح‌تر می‌توان به این آیه قرآنی اشاره

کرد که خدا از تقدم نعمت و تغییر آن به نَقمت به

سبب کفر و کفران می‌گوید؛ و خدا بر شما حکایت

کرد و مثل آورد مثل لشعری را که در آن امنیت

کامل حکمفرما بود و اهلسر در آسایش و اطمینان

زندگی می‌کردند و از هر جانب فری‌افراوان به آنها

می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت‌های خدا را کفران

کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت، طعم

گرسنگی و بی‌مکانی را به آنها چشاندید و چون لباس،

سرایای وجودشان را پوچشاند. (نحل، آیه ۱۱۲)

پس زمانی خدا از خلق انتقام می‌گیرد و نعمتشان

را به نَقمت تغییر می‌دهد که کفر و کفران کرده

باشند و قدر امنیت و آرامش و آسایش را ندانند. در

این صورت خدا به‌جای آرامش و آسایش، ناامنی و

گرسنگی و محنت را به نصیب آنان می‌کند.

عوامل و چرایی انتقام

از نظر آموزه‌های وحیانی، عواملی چند موجب

می‌شود تا خدا در مقام اسمای جلالی ظهور یابد و

خشم و غضب الهی جایگزین رحمت و نعمت شود؛

هر چند که همین غضب و انتقام الهی، با خاستگاه

رحمت الهی است؛ زیرا اگر انتقام و غضب الهی بروز

و ظهور نکند، جهان تا امر نمی‌شود و جباران و

مستکبران گستاخ‌تر به کفر و کفران رو می‌آورند.

بنابراین، برای امنیت اکثریت جهانیان، می‌بایست

رحمت الهی در قالب غضب و انتقام بروز کند.

به سخن دیگر، رحمت رحمانی الهی موجب

می‌شود تا خدا دوزخ را ایجاد کرده و دشمنان

و کفران و ظالمان و مستکبران را بدان بریزد و

این‌گونه آنان را کثیر دهد. بر اساس همین سنت

و رحمت رحمانی است که خدا اصولی چون

حدود و تعزیرات را وضع کرده است و کاروان را در

دنیا با عذاب استیصال ریشه کن می‌کند؛ زیرا وجود

نخس این ظالمان می‌تواند به اکثریت مردم آسیب

وارد کند و امکان حرکت در مسیر هدایت الهی را از

آنها ببرد.

ظلم از جمله عواملی است که خشم و غضب الهی را به دنبال دارد و موجب انتقامی سخت می‌شود. این ظلم می‌تواند ظلم به خود و خدا و خلق باشد که شامل کفر و کفران و بی‌عدالتی نسبت به دیگران می‌شود. خدا از کسانی که بر خلاف عدالت عمل می‌کنند، در همین دنیا انتقام می‌گیرد.

مگر آنکه انسان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و

خدا شواهی داناست. (انفال، آیه ۵۳)

از این صریح‌تر می‌توان به این آیه قرآنی اشاره

کرد که خدا از تقدم نعمت و تغییر آن به نَقمت به

سبب کفر و کفران می‌گوید؛ و خدا بر شما حکایت

کرد و مثل آورد مثل لشعری را که در آن امنیت

کامل حکمفرما بود و اهلسر در آسایش و اطمینان

زندگی می‌کردند و از هر جانب فری‌افراوان به آنها

می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت‌های خدا را کفران

کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت، طعم

گرسنگی و بی‌مکانی را به آنها چشاندید و چون لباس،

سرایای وجودشان را پوچشاند. (نحل، آیه ۱۱۲)

پس زمانی خدا از خلق انتقام می‌گیرد و نعمتشان

را به نَقمت تغییر می‌دهد که کفر و کفران کرده

باشند و قدر امنیت و آرامش و آسایش را ندانند. در

این صورت خدا به‌جای آرامش و آسایش، ناامنی و

گرسنگی و محنت را به نصیب آنان می‌کند.

عوامل و چرایی انتقام

از نظر آموزه‌های وحیانی، عواملی چند موجب

می‌شود تا خدا در مقام اسمای جلالی ظهور یابد و

خشم و غضب الهی جایگزین رحمت و نعمت شود؛

هر چند که همین غضب و انتقام الهی، با خاستگاه

رحمت الهی است؛ زیرا اگر انتقام و غضب الهی بروز

و ظهور نکند، جهان تا امر نمی‌شود و جباران و

مستکبران گستاخ‌تر به کفر و کفران رو می‌آورند.

بنابراین، برای امنیت اکثریت جهانیان، می‌بایست

رحمت الهی در قالب غضب و انتقام بروز کند.

به سخن دیگر، رحمت رحمانی الهی موجب

می‌شود تا خدا دوزخ را ایجاد کرده و دشمنان

و کفران و ظالمان و مستکبران را بدان بریزد و

این‌گونه آنان را کثیر دهد. بر اساس همین سنت

و رحمت رحمانی است که خدا اصولی چون

حدود و تعزیرات را وضع کرده است و کاروان را در

دنیا با عذاب استیصال ریشه کن می‌کند؛ زیرا وجود

نخس این ظالمان می‌تواند به اکثریت مردم آسیب

وارد کند و امکان حرکت در مسیر هدایت الهی را از

آنها ببرد.

ظلم از جمله عواملی است که خشم و غضب الهی را به دنبال دارد و موجب انتقامی سخت می‌شود. این ظلم می‌تواند ظلم به خود و خدا و خلق باشد که شامل کفر و کفران و بی‌عدالتی نسبت به دیگران می‌شود. خدا از کسانی که بر خلاف عدالت عمل می‌کنند، در همین دنیا انتقام می‌گیرد.

مگر آنکه انسان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و

خدا شواهی داناست. (انفال، آیه ۵۳)

از این صریح‌تر می‌توان به این آیه قرآنی اشاره

کرد که خدا از تقدم نعمت و تغییر آن به نَقمت به

سبب کفر و کفران می‌گوید؛ و خدا بر شما حکایت

کرد و مثل آورد مثل لشعری را که در آن امنیت

کامل حکمفرما بود و اهلسر در آسایش و اطمینان

زندگی می‌کردند و از هر جانب فری‌افراوان به آنها

می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت‌های خدا را کفران

کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت، طعم

گرسنگی و بی‌مکانی را به آنها چشاندید و چون لباس،

سرایای وجودشان را پوچشاند. (نحل، آیه ۱۱۲)

پس زمانی خدا از خلق انتقام می‌گیرد و نعمتشان

را به نَقمت تغییر می‌دهد که کفر و کفران کرده

باشند و قدر امنیت و آرامش و آسایش را ندانند. در

این صورت خدا به‌جای آرامش و آسایش، ناامنی و

گرسنگی و محنت را به نصیب آنان می‌کند.

عوامل و چرایی انتقام

از نظر آموزه‌های وحیانی، عواملی چند موجب

می‌شود تا خدا در مقام اسمای جلالی ظهور یابد و

خشم و غضب الهی جایگزین رحمت و نعمت شود؛

هر چند که همین غضب و انتقام الهی، با خاستگاه

رحمت الهی است؛ زیرا اگر انتقام و غضب الهی بروز

و ظهور نکند، جهان تا امر نمی‌شود و جباران و

مستکبران گستاخ‌تر به کفر و کفران رو می‌آورند.

بنابراین، برای امنیت اکثریت جهانیان، می‌بایست

رحمت الهی در قالب غضب و انتقام بروز کند.

به سخن دیگر، رحمت رحمانی الهی موجب

می‌شود تا خدا دوزخ را ایجاد کرده و دشمنان

و کفران و ظالمان و مستکبران را بدان بریزد و

این‌گونه آنان را کثیر دهد. بر اساس همین سنت

و رحمت رحمانی است که خدا اصولی چون

حدود و تعزیرات را وضع کرده است و کاروان را در

دنیا با عذاب استیصال ریشه کن می‌کند؛ زیرا وجود

نخس این ظالمان می‌تواند به اکثریت مردم آسیب

وارد کند و امکان حرکت در مسیر هدایت الهی را از

آنها ببرد.

ظلم از جمله عواملی است که خشم و غضب الهی را به دنبال دارد و موجب انتقامی سخت می‌شود. این ظلم می‌تواند ظلم به خود و خدا و خلق باشد که شامل کفر و کفران و بی‌عدالتی نسبت به دیگران می‌شود. خدا از کسانی که بر خلاف عدالت عمل می‌کنند، در همین دنیا انتقام می‌گیرد.

مگر آنکه انسان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و

خدا شواهی داناست. (انفال، آیه ۵۳)

از این صریح‌تر می‌توان به این آیه قرآنی اشاره

کرد که خدا از تقدم نعمت و تغییر آن به نَقمت به

سبب کفر و کفران می‌گوید؛ و خدا بر شما حکایت

کرد و مثل آورد مثل لشعری را که در آن امنیت

کامل حکمفرما بود و اهلسر در آسایش و اطمینان

زندگی می‌کردند و از هر جانب فری‌افراوان به آنها

می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت‌های خدا را کفران

کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت، طعم

گرسنگی و بی‌مکانی را به آنها چشاندید و چون لباس،

سرایای وجودشان را پوچشاند. (نحل، آیه ۱۱۲)

پس زمانی خدا از خلق انتقام می‌گیرد و نعمتشان

را به نَقمت تغییر می‌دهد که کفر و کفران کرده

باشند و قدر امنیت و آرامش و آسایش را ندانند. در

این صورت خدا به‌جای آرامش و آسایش، ناامنی و

گرسنگی و محنت را به نصیب آنان می‌کند.

عوامل و چرایی انتقام

از نظر آموزه‌های وحیانی، عواملی چند موجب

می‌شود تا خدا در مقام اسمای جلالی ظهور یابد و

خشم و غضب الهی جایگزین رحمت و نعمت شود؛

هر چند که همین غضب و انتقام الهی، با خاستگاه

رحمت الهی است؛ زیرا اگر انتقام و غضب الهی بروز

و ظهور نکند، جهان تا امر نمی‌شود و جباران و

مستکبران گستاخ‌تر به کفر و کفران رو می‌آورند.

بنابراین، برای امنیت اکثریت جهانیان، می‌بایست

رحمت الهی در قالب غضب و انتقام بروز کند.

به سخن دیگر، رحمت رحمانی الهی موجب

می‌شود تا خدا دوزخ را ایجاد کرده و دشمنان

و کفران و ظالمان و مستکبران را بدان بریزد و

این‌گونه آنان را کثیر دهد. بر اساس همین سنت

و رحمت رحمانی است که خدا اصولی چون</